

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۸ - ۷۱

نقد و بررسی مبانی نظری و پیش فرضهای**«مونتگمری وات» پیرامون قرآن. وحی و پیامبر(ص)**^۱ فاطمه جوادیان اصل^۲ عبدالرضا فرهادیان^۳ فاطمه خلیلی**چکیده**

هر علمی دارای اصول و مبانی می باشد. محققان قرآنی به این واقعیت توجه دارند که فهم قرآن به مبانی مشخص نیاز دارد و بی توجهی به آنها موجب برداشتهای نادرست خواهد شد. با مقایسه و نقد و بررسی نظرات اندیشمندان در حوزه قرآن پژوهی می توان به رشد و گسترش مطالعات قرآنی و شناخت عظمت وحی دست یافت. براساس مبانی نظری مسلمانان وحی کلام الهی می باشد. وحی منشا الهی داشته و از اختلاف، تناقض و تحریف به دور است وحی توسط پیامبر امی که دارای مقام عصمت در دریافت، حفظ و ابلاغ آن بوده به مردم رسانده شده است. بر اساس مبانی نظری مستشرقان از جمله «مونتگمری وات» وحی منشا الهی نداشته و ساخته پیامبر بوده که از کتب مقدس عهدین اخذ نموده و یک شخصیت نابغه بوده که با توجه به شرایط محیطی و زمانه خود قرآن را تالیف و دیگران را تحت تاثیر قرار داده است. در بررسی این دیدگاه باید گفت دلایل و شواهد تاریخی و معتبر بر این ادعاها وجود ندارد. بکارگیری مبانی نظری و پیش فرضهای شخصی محقق در حوزه های که تسلط علمی و کافی در آنها ندارد مسیر تحقیق را به اشتباه می کشاند. در این پژوهش با طرح دیدگاههای «وات» پیرامون قرآن، وحی و نبوت به نقد و بررسی آن پرداخته و با استناد به منابع معتبر به شبهات وارده به درستی پاسخ و قرآن را از این انحرافات منزّه نمود.

واژگان کلیدی

مبانی نظری، مونتگمری وات، وحی، پیامبر(ص).

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Fatemeh1201@yahoo.com

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: farhaadian@gmail.com

۳. استادیار گروه زبان عربی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: fkhllili57@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۸

طرح مسأله

قرآن آخرین معجزه الهی برای هدایت بشر است که از علم خداوند سرچشمه می‌گیرد و از طریق وحی بر پیامبر (ص) نازل شده است. قرآن به عنوان منبع اصلی شریعت اسلام، و حضرت محمد (ص) به عنوان پیامبر توجه قرآن پژوهان را به خود جلب نموده است. دیدگاه‌های آنها به وحی و نبوت سطحی و بدور از واقعیت می‌باشد.

در این پژوهش قصد داریم مبانی نظری مسلمانان و اندیشمندان اسلامی و «ویلیام مونتگمری وات» به عنوان یک مستشرق پیرامون قرآن، وحی و نبوت پیامبر (ص) را بررسی و با یافته‌های پژوهشی عظمت کلام وحی و مقام والای پیامبر (ص) را بیان و سستی و بی‌اساس و غیر علمی بودن مطالعات پژوهشگران مغرض را مطرح و با مقایسه دیدگاه‌های صاحب‌نظران موجبات رشد و گسترش معارف قرآنی فراهم و افکار انحرافی از ساحت مقدس قرآن و پیامبر (ص) بر طرف گردد.

قرآن پژوهی خاورشناسان در سده‌های اخیر افزایش داشته است. تصویری که اندیشمندان یهودی و مسیحی از اسلام و قرآن در ذهن مردم قرون وسطی ارائه دادند تصویری نادرست بود و آثار تالیفی در این دوره با هدف تضعیف و مبارزه با اسلام و قرآن بوده است. دیدگاه غربیان در قرون وسطی بر اساس انکار پیامبری حضرت محمد (ص) بود و اینکه قرآن اقتباس از متون ادیان دیگر بوده است.

بعد از عصر روشنگری و آغاز مطالعات علمی و قرآن پژوهی در غرب دیدگاه دیگری شکل گرفت. بعد از قرون وسطی غربیان توجه بیشتری به اسلام و قرآن داشتند و با رویکرد جدیدی از پیامبر (ص) به عنوان یک حکیم یاد می‌کردند. «وات» یکی از نویسندگان دایره‌المعارف اسلام لاییدن بود که نشان از جایگاه والا و جامعیت علمی وی در عرصه علوم اسلامی و تاریخ اسلام در غرب دارد.

غربیان تا اواسط قرن نوزدهم منابع اولیه اسلامی را در اختیار نداشته اما در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم به برخی نسخه‌های خطی دست یافته و با تصحیح و ویرایش منتشر کردند. در دهه‌های آغازین قرن بیستم انبوهی از کتاب‌های تجدید نظر شده در مورد قرآن و پیامبر (ص) به چند زبان منتشر شد.

با شناخت حقیقت وحی و نبوت می‌توان به شبهات وارده عالمانه و منطقی پاسخ گفت. امروز دایره‌المعارف لیدن و دایره‌المعارف امریکانا و آثار دیگر مرجع اسلام‌شناسی در غرب به شمار می‌آید.

دیدگاه‌های انحرافی مستشرقان مورد توجه عده‌ای از پژوهشگران مسلمان قرار گرفته

است. پیدایش افرادی مانند «سلمان رشدی» نتیجه این تفکرات می باشد. با توجه به سرعت انتقال افکار انحرافی مستشرقان اهمیت نقد آثار آنها مشخص می‌شود و از طرفی صیانت از اسلام و دین و آگاهی بخشی به مستشرقانی که از سر ناآگاهی دچار لغزش شده اند ضروری می‌باشد.

با ترجمه و دسترسی مستشرقان به منابع و متون جدید و گرایش روز افزون به اسلام فعالیت مستشرقان گسترده تر شده آگاهی از مبانی و پیش فرض های مستشرقان در برطرف نمودن شبهات جدید مهم می باشد. خاور شناسان از طریق انکار وحیانیت قرآن به دنبال مخدوش نمودن نبوت و رسالت پیامبر اسلام هستند تا اعتبار دین اسلام زیر سوال برده شود. این بحث در روشنگری و هدایت انسانها نقش مهمی دارد. پرداختن به این موضوع در تقویت ایمان مومنین بسیار مؤثر است و موجب گرایش غیر مسلمانان به اسلام می شود.

مقایسه نظرات اندیشمندان در حوزه قرآن پژوهی موجب رشد و گسترش مطالعات قرآنی می شود با پژوهشهای قرآنی می توان سیمای واقعی و عظمت کلام وحی را به عنوان آخرین معجزه الهی به نمایش گذاشت. اندیشمندان و قرآن پژوهان به منظور گسترش دعوت اسلامی و ضرورت دفاع اعتقادی از این کتاب آسمانی اهتمام و تلاش بسیاری داشته اند. قرآن به عنوان وحی الهی علاوه بر مسلمانان مورد توجه دانشمندان و قرآن پژوهان غیرمسلمان نیز می باشد نقد و بررسی آرا مستشرقان و روشن گری پیرامون شبهات وارده بر قرآن میتواند به تقویت ایمان مخصوصا نسل جوان کمک کند.

مبانی نظری اندیشمندان اسلامی پیرامون قرآن، وحی و پیامبر(ص)

۱- وحی کلام خداست: الفاظ و محتوی وحی از جانب خداوند و توسط فرشته وحی بر پیامبر (ص) نازل شده است. پیامبر (ص) هیچ دخل و تصرفی در آن نداشته و بی کم و کاست پیام وحی را دریافت و در اختیار مردم گذاشته است.

۲- عدم اختلاف در وحی: افکار انسان در معرض تغییر و تحول بوده و روی آثار تالیفی او تاثیر می‌گذارد. قرآن کلام الهی و معجزه می باشد با استناد به آیات، اگر قرآن از جانب غیر خدا بود می بایستی همراه با اختلاف و تناقض باشد در حالی که اختلاف در آن نیست.

۳- امی بودن پیامبر (ص): قرآن به صراحت رسول خدا (ص) را شخصی نا آشنا به خواندن و نوشتن معرفی و ابلاغ وحی از جانب پیامبر (ص) را معجزه دانسته است. «امی» به شخصی اطلاق می شود که از نظر ناآشنایی بر خواندن و نوشتن همانند کسی است که از مادر متولد شده است.

۴- مصونیت قرآن از تحریف: هدف از نزول وحی راهنمایی و هدایت انسان می باشد اگر انحراف یا تحریف در آن وجود داشته باشد هدف تامین نمی شود. خداوند حکیم و کار عبث و

بیهوده از او سر نمی زند.

«إِنَّا نَحْنُ نُزَلُّنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر / ۹)

«البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققا محفوظ خواهیم داشت»

بر اساس شواهد قطعی و مسلم نه چیزی به قرآن اضافه شده و نه کم شده و نه تغییر در آن رخ داده است اگر مورد تحریف قرار می گرفت اعجاز آن خدشه دار می شد در حالی که حفظ و تدوین قرآن با چنان دقتی انجام شده که قرآن را از هر گزند حفظ کرده است. بر اساس قانون لطف الهی کتاب هدایت می بایستی از تحریف به دور می باشد.

۵- مصونیت پیامبر از خطا و اشتباه: عصمت پیامبر (ص) در سه زمینه می باشد.

الف: عصمت در دریافت وحی: پیامبر در دریافت وحی هرگز خطا نمی کند. وحی از جانب خدا و منشا آن الهی می باشد. «وَإِنكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل / ۶) «و تو (ای رسول ما) آیات قرآن (عظیم) از جانب خدایی حکیم و دانا (به وحی) بر تو القا می شود»

ب: عصمت در حفظ وحی: پیامبر آنچه دریافت می کند به درستی حفظ می کند «سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنسَىٰ». (اعلیٰ/۶) «ما تو را قرائت آیات قرآن چندان آموزیم که هیچ

فراموش نکنی»

ج: عصمت در ابلاغ وحی: خداوند پیامبر را در محافظت فرشتگان قرار داده تا وحی را به طور کامل دریافت و به مردم ابلاغ کند.

«وَأَنْ أتلُو الْقُرْآنَ» (نمل / ۹۲) «و نیز مأمورم که قرآن را (به حکم وظیفه رسالت بر امت)

تلاوت کنم».

قرآن فرقان است جداکننده حق از باطل، قرآن نور و هدایت است. از نظر علامه وحی و نبوت موهبتی الهی است نه امری اکتسابی و پیامبر (ص) هرگز در دریافت وحی تردید و خطا نمی کند.

۵- وحی کامل، جامع و همیشگی است: خداوند خالق هستی و انسان می باشد و هر آنچه برای هدایت انسان نیاز است بطور کامل و جامع در قرآن بیان شده است و دستورات آن قابلیت انطباق با تحولات زمان را داشته و مختص زمان و مکان خاص نیست و پاسخگوی نیازهای انسان در تمام دوران ها می باشد.

۶- انسان موجودی غیر مادی و الهی: انسان علاوه بر بعد مادی و جسمانی صاحب بعد غیر مادی و مجرد می باشد و به گفته قرآن انسان اشرف مخلوقات بوده و خداوند از روح خو در او دمیده است. راهنمایی و هدایت قرآن هم در رابطه با بعد مادی و هم بعد مجرد انسان می باشد. دلیل برتری انسان نسبت به موجودات دیگر بعد غیر مادی او است. با ابزار و وسایل مادی و محسوس و تجربی نمی توان انسانی که دارای بعد غیر مادی و مجرد است هدایت و راهنمایی

نمود. انسان برای رسیدن به کمال نیازمند هدایت الهی می‌باشد که از طریق وحی انجام می‌گیرد.
۷- راهنمایی وحی در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و تامین سعادت دنیوی و اخروی، می‌باشد.

۸- فطری بودن پرستش در انسان: پرستش و خداجویی به صورت بالقوه در تمام انسانها وجود دارد و با تربیت صحیح و هدایت و راهنمایی به فعلیت می‌رسد.

۹- قابل فهم بودن وحی: حقیقت وحی از دسترس بشر خارج است و تنها پیامبر(ص) و اولیای الهی به اذن خداوند حقیقت قرآن را می‌دانند. ولی حقیقت قرآن برای دسترسی عموم با چندین مرتبه تنزیل در قالب الفاظ و کلمات در آمده است. با اینکه قرآن کلام الهی است قابل فهم می‌باشد و هر کس به اندازه ظرفیتی که دارد از قرآن بهر مند می‌شود.

۱۰- ممنوعیت تفسیر به رای: تفسیر آیات بر اساس نظر و عقیده شخصی زمینه برداشتهای غلط را فراهم می‌کند برای فهم معارف قرآن توجه به مبانی و اصول ضروری می‌باشد و تحمیل نظرات شخصی بر قرآن موجب فهم نادرست خواهد شد.

مبانی نظری مستشرقان پیرامون قرآن، وحی و پیامبر(ص)

۱- قرآن از نظر مستشرقان بشری و ساخته پیامبر است قرآن وحیانی و کلام الهی نیست بلکه توسط پیامبر جمع آوری و تالیف شده است و ساخته دست بشر می‌باشد. منشا وحی خود پیامبر بوده و ارتباطی با عالم غیب و ماوراء طبیعت نداشته است. آنها معتقدند عالم غیب برای ما ثابت نشده است پس برای شناخت نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

۲- انسان موجودی مادی میباشد که همان بعد جسمانی است و با قوانین مادی که بر اساس حس و تجربه است می‌توان انسان را شناخت و انسان با مرگ نابود می‌گردد.

۳- قرآن از کتب مقدس یهودیت و مسیحیت گرفته شده است. و در بردارنده دعوت و دین جدید نمی‌باشد و بیان تعالیم یهود و نصاری به زبان دیگر است.

۴- پیامبری شخصیت نابغه و مصلح اجتماعی بوده و توانست مورد توجه دیگران قرار بگیرد و تاثیر گذار باشد.

۵- قرآن نتیجه تاثیر پذیری از محیط بوده با توجه به محرومیت مردم مکه از خواندن و نوشتن آیاتی که در مکه نازل می‌شده جنبه استدلالی نداشته ولی بعد از هجرت به مدینه و تغییر شرایط و آشنایی با فرهنگ یهود و نصاری محتوای آیات و سوره ها جنبه استدلالی پیدا کرده همه این موارد دلیل بر اثر پذیری قرآن از محیط بوده است.

۶- تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه: محتوای قرآن برگرفته از فرهنگ زمان خود بوده و قرآن وحی الهی نیست و پیامبر از فرهنگ دوران خود تاثیر گرفته است و افکار منفی و خرافی را رد و افکار مثبت را تغییر یا اصلاح نموده است و جمع بندی فرهنگ زمانه خود را در قالب

وحی ارائه نموده است.

ویلیام مونتگمری وات

«مونتگمری وات» اسلام شناس برجسته بریتانیایی و خاورشناس مسیحی که بیش از شصت سال را به مطالعه و پژوهش پیرامون قرآن و آموزه های اسلامی تاریخ و سیره پیامبر(ص) پرداخت.

روش علمی و نگاهی منصفانه به موضوعات اسلامی سبب شد تا نام وی در میان محققان مسلمان به نیکی برده شود و آثارش مورد توجه قرار گیرد. وی مورد احترام بسیاری از اسلام شناسان و متکلمین در کشورهای اسلامی می باشد و نیز نامی سرشناس میان جامعه علمی غرب میباشد. با این وجود لغزش های بسیاری در آثار او وجود دارد.

تعریف و انواع وحی از نظر وات

«وحی» به معنای آشکار سازی یا خود نشان دادن خداوند و «تنزیل» به معنای فرو فرستادن پیامها از آسمان به زمین می باشد.

«الهام» پیام های خصوصی برای افرادی است که آن را دریافت می کنند و «وحی» ابلاغ پیام الهی به اولیا می باشد.

انواع وحی از نظر وات: ۱- کلام غیبی به صورت وحی : کلام به صورت الهام از خارج در فکر انسان ایجاد می شود و کلام به صورت انسانی نیست.

۲- سخن گفتن خداوند با پیامبر از پس پرده: پیامبر فرستاده خدا را نمی بیند فقط کلمات او را می شنود این نوع وحی در پیامبر کمتر دیده شده و به حضرت موسی(ع) اختصاص دارد.

۳- از طریق فرشته وحی: به اعتقاد مسلمانان نزول وحی بر پیامبر از این نوع بوده است. «وات» معتقد است از آنجایی که نامی از جبرئیل در قرآن نیست این نوع وحی بر پیامبر حاصل نشده است.

نقد و بررسی مبانی و پیش فرضهای «وات» پیرامون قرآن، وحی و پیامبر(ص)

۱- بر خورداری پیامبر از تخیل خلاق : وحی به نیروی خاصی در وجود پیامبر به نام تخیل خلاق برمیگردد. از نظر وات هر پیامبری خلق و خوی خاصی داشته که بر خیال او تاثیرگذار بوده است. تاثیر خلق و خوی بشری در امر وحی سبب شده است که قرآن مخدوش باشد.

«وات» به خداوند و نظام ماورای طبیعت اعتقاد دارد اما منکر نبوت می باشد و به دنبال یافتن منشاء غیر الهی و غیر آسمانی برای وحی می باشد و آن را در وجود پیامبر جستجو می کند. «وات» سعی می کند وحی را مثبت و تخیل خلاق را امری ارزشمند معرفی می کند. تخیل خلاق او بسیار قوی بود و افکاری را به وجود آورد که با مسائل اساسی بشر ارتباط دارد. تمام افکار محمد درست نیست ولی توانست مردم را به دینی درآورد که از دین سابق آنها بهتر است.

اندیشمندان غیر مسلمان به دلیل نگرش مادی و انکار ماوراء طبیعت در پی یافتن منشا غیر الهی برای وحی هستند و دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح می‌کنند. «وات» ریشه وحی را در وجود شخص پیامبر می‌داند و منکر الهی بودن وحی است. و معتقد است پیامبر رویاهایش را تعبیر به وحی کرده در حالی که هیچ جای قرآن نامی از جبرئیل نیامده است. یهودیان و مسیحیان با وجود آنکه در عهدین به نبوت پیامبر اشاره شده است نبوت آن حضرت را انکار نموده و تفسیرهای متفاوتی ارائه می‌دهند. قرآن دستورات و کلمات خدا نیست پیامبر در آن دخل و تصرف داشته و هر جا نیاز به اصلاح بوده دریغ نداشته است. «وات» برای اثبات ادعای خود به نسخ آیات استناد می‌کند و ادعای تناقض در آیات را دارد.

از نظر وات وحی «انفسی» می‌باشد یعنی وحی را پدیده ای می‌داند که بیشتر از آنکه الهی باشد بشری است علامه طباطبایی می‌فرماید «برخی از دانشمندان که انس با علوم مادی و طبیعی دارند وحی را برخاسته از شخصیت پیامبر(ص) میدانند. (طباطبای، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ۱۳۶۱: ۹۰) از نظر دانشمندان غربی وحی و نبوت منشا درونی داشته است. در بررسی این نظر باید گفت قرآن معجزه پیامبر(ص) است. وحی از جانب خداوند و کلام الهی است. پیامبر(ص) برگزیده خداوند و مامور به ابلاغ پیام الهی می‌باشد. مسلمانان معتقدند قرآن از طریق جبرئیل بر پیامبر(ص) نازل شده است پیامبر(ص) در نزول وحی دخالتی در آن نداشته است. وقفه‌های طولانی که در وحی ایجاد می‌شد بیانگر این مطلب است که نزول وحی به اختیار پیامبر نبوده و زمان مشخصی نداشت.

از نظر قرآن پیامبر(ص) در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی مصون از خطا می‌باشد. «إِنَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» (جن، ۲۷) «مگر آن کس را که به پیامبری برگزیده است که فرشتگان را از پیش رو و پشت سر او می‌فرستد (تا اسرار وحی را شیاطین به سرقت گوش نربایند)

علامه در ذیل آیه می‌نویسد مراد از « مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ » ما بین رسول الله و مردمی است که به سوی آنها فرستاده شده است و مراد از « مِنْ خَلْفِهِ » ما بین پیامبر (ص) و مصدر وحی یعنی خدا است. آیه دلالت بر مصونیت وحی از خطا و اشتباه دارد. (المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰) اگر رسول خدا در جهات مذکور مصونیت نداشته باشد غرض الهی که هدایت مردم است تحقق پیدا نمی‌کند. وحی از سنخ علوم اکتسابی و حصولی نیست. در وحی علوم و معارف به طور مستقیم بر قلب نورانی پیامبر(ص) القا می‌شود و با تمام وجود آن را درک می‌کند. قلب پیامبر(ص) حضورا حقایق اشیا را مشاهده می‌کند پس خطا و اشتباه در آن راه ندارد.

۲- وحی از ضمیر ناخود آگاه پیامبر بوده: وحی ناشی از ضمیر و باطن پیامبر است و ارتباطی با عالم غیب و دریافت پیام الهی از جانب خداوند ندارد ایمان بالای پیامبر به خدا حالات

خاصی مانند رویت فرشته در او ایجاد می‌کرد اعتقاد به خدا و تهذیب نفس موجب شد پیامبر به مرتبه ای برسد که شخصی را در برابر خود مجسم دیده و او را فرشته ای در نظر گیرد که از عالم ماورای طبیعت پیامی را برای او آورده است. قرآن ناشی از تراوشات ذهنی و فکری و مخلوق خود پیامبر است قرآن کلام پیامبر است فرشته ای در کار نبود پیامبر خیال می‌کرده کسی مطلبی را در گوش او می‌خواند یا کسی را می‌بیند وحی منشاء بیرونی نداشته است.

وحی مجموعه ای از افکار محمد است آنچه به او وحی می‌شود ناشی از ضمیر ناخودآگاه می‌باشد. محمد به رسالت خویش ایمان داشته و اینکه خداوند کار خاصی به او واگذار کرده است. از نظر «وات» برای دریافت وحی نیاز به داشتن خلق و خوی و شایستگی های خاصی است. کسانی که خداوند آنها را برای کاری برگزیده همیشه کامل نبودند آنها در امور فردی دچار اشتباه می‌شدند.

در پاسخ می‌گوییم قرآن ناشی از باطن و ضمیر ناخودآگاه و تراوشات فکر و ذهن پیامبر نیست منشا وحی فقط خداوند است نفس پیامبر(ص) به مرتبه ای از کمال می‌رسد که شایستگی دریافت وحی را به دست می‌آورد. «وات» برای ادعای خود هیچ دلیلی ندارد. هر انسانی آنچه در درون خود دارد متجلی می‌کند و تجلیات ضمیر ناخودآگاه افراد با هم متفاوت است و هر انسانی آنچه از جهان خارج گرفته و در درون خود دارد متجلی می‌سازد. چگونه عالی ترین افکار به ذهن کسی خطور می‌کند که امی بوده و معلمی نداشته است. چگونه با ارزش ترین معارف از ضمیر ناخودآگاه کسی که فاقد معارف بوده بروز می‌کند. خبر از آینده توسط پیامبر(ص) چگونه می‌تواند از ضمیر ناخودآگاه سرچشمه گرفته باشد. پیامبر برگزیده خداوند و مامور ابلاغ پیام الهی است.

۳- وحی کلام بشری و پیامبر شخصیتی نابغه است: پیامبر شخصیتی نابغه بود و توانست مورد توجه دیگران قرار بگیرد و تاثیر گذار باشد. قرآن وحیانی و کلام الهی نیست بلکه توسط پیامبر جمع آوری و تالیف شده است و ساخته دست بشر می‌باشد پیامبر ارتباط با عالم غیب و ماوراء طبیعت نداشته است. آنها معتقدند عالم غیب برای ما ثابت نشده است پس برای شناخت نمی‌توان به آن اعتماد کرد انسان موجود یک بعدی میباشد که همان بعد جسمانی است.

«وات» تصویری سطحی از وحی ارائه داده و قرآن را به عنوان یک کتاب بشری مملو از خطا می‌داند در حالی که قرآن کتاب مقدس و مصون از خطا می‌باشد قرآن تجلی ذات الهی و از جانب خدا است. قرآن دارای مراتبی است. بالاترین مرتبه آن در «ام کتاب» قرار دارد (زخرف/ ۴) حقیقت قرآن در کتاب «مکنون» است و جز انسان پاک و مطهر نمی‌تواند با آن ارتباط عمیق پیدا کند.

۴- قرآن از کتب یهود و نصاری گرفته شده است: قرآن از کتب مقدس عهدین اقتباس

شده و شامل دعوت و دین جدید نمی باشد و بیان تعالم یهود و نصاری به زبان دیگر است. «وات» با توجه به مشابهت برخی از تعالیم اسلام و مسیحیت منشا تعالیم پیامبر را آیین مسیحیت می‌داند. در قرآن آیاتی وجود دارد که مخالف تعالیم عهدین است و مطالب عهدین با مطالب قرآن هم خوانی ندارد. پیامبر (ص) در سفرهای کوتاه خود چگونه به کتب مقدس عهدین دست یافته است. منشا همه ادیان الهی به خدا برمیگردد ادیان مسیر تکاملی را طی می‌کند وجود مشابهت در ادیان الهی طبیعی می باشد وجود مشابهت دلیل بر اخذ یکی از دیگری نیست امی بودن پیامبر (ص) بر اساس شواهد تاریخی به اثبات رسیده است و خود «وات» به طور غیرمستقیم به آن اعتراف نموده است و شواهدی برای ارتباط پیامبر با اهل کتاب وجود ندارد. دیدار پیامبر با بحیرای راهب تنها به این نکته اشاره دارد که ابری بر بالای سر پیامبر بوده است که بحیرا با دیدن این صحنه به ابوطالب بشارت می دهد که او مرد بزرگی خواهد شد و او را از یهودیان دور نگه دار.

از نظر علامه طباطبایی پیامبر (ص) سالها به عنوان یک فرد عادی در میان مردم زندگی می‌کرد و به هنگام بعثت کتابی آورد که بزرگان قومش از آوردن آن ناتوان بودند و ادیبان، فصیحان، بلیغان و شاعران در مقابل آن سر تسلیم فرود آورده و اعتراف به مافوق بشری بودن آن داشتند. به کسانی که میگویند پیامبر (ص) در سفرهای تجاری به شام قصص قرآن را از راهبان آموخته باید گفت سفرهای حضرت کوتاه و محدود بوده و به فرض هم مطلبی را از کسی در این سفرها یاد گرفته باشد نمی‌تواند با این همه علوم و معارف گسترده قرآن ارتباط داشته باشد. پیامبر در این سفرها همراهانی داشته در حالی که هیچ گزارشی از فراگیری علوم برای حضرت گزارش نشده است

و یا یادگیری قرآن از یک آهنگر رومی در مکه نیز نمی تواند مورد قبول باشد زبان کسی که قرآن را به او نسبت می دهند غیرعربی بوده در حالی که قرآن به زبان عربی است و یادگیری قرآن از دانشمند و عالم دینی فارس جناب سلمان فارسی هم معتبر نیست سلمان فارسی زمانی مسلمان شد که بیشتر قرآن بر پیامبر (ص) نازل شده بود. در امی بودن پیامبر (ص) میان مورخان اختلافی وجود ندارد و حتی مورخان غیرمسلمان نیز آن را پذیرفته‌اند.

۵- درس خواندگی پیامبر: «وات» برای اینکه تاثیرپذیری پیامبر از متون مقدس اهل کتاب را بیان کند در مورد امی بودن پیامبر شبهه افکنی می‌کند و معتقد است بیشتر مردم مکه خواندن و نوشتن می دانستند و با انتساب حرفه بازرگانی به پیامبر می‌گوید: «بعید به نظر می‌رسد تاجر با استعدادی مانند محمد از این هنر بی بهره مانده باشد». (مونتگرمی وات، ویلیام، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۵۱)

و در جای به طور غیر مستقیم به بطلان این مسئله پی برده و می‌نویسد: «طرز بیان

مطالب کتاب مقدس قرآن نشان می‌دهد که او خود این کتاب را نخوانده است و همچنین نشان می‌دهد که از کتاب دیگری نیز استفاده نکرده است. (همان) ولی باز اصرار دارد که پیامبر اطلاعاتی از عقاید اهل کتاب داشته و این اطلاعات را به شکل‌های مختلفی به دست آورده است. رسول خدا قبل از بعثت چهل سال در بین مردم زندگی کرد و نحوه سخن گفتن وی برای مردم آشنا و مشخص بود. اما کلام رسول خدا (ص) بعد از بعثت از هر جهت با سخنان و عبارات او با قبل از بعثت متفاوت بود.

علامه طباطبایی می‌گوید: « همه می‌دانند پیامبر (ص) سال‌ها در بین مردم بود و برتری محسوس بر دیگران نداشت تا آنکه ادعای رسالت نموده و مردم را به آوردن همانند قرآن تحدی و دعوت نمود آنها از آوردن مانند آن عاجز شدند و فردی جرات نکرد که در مقام معارضه با آن برآید. (طباطبایی، المیزان، جلد ۱، ص ۶۳)

«قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یونس / ۱۶).

«بگو اگر خدا می‌خواست قرآن را بر شما نمی‌خواندم و او هم شما را به آن آگاه نمی‌کرد من مدت‌ها قبل از آن در میان شما بودم و چنین کلماتی از من صادر نمی‌شد آیا هیچ فکر نمی‌کنید». پیامبر سال‌ها در بین مردم زندگی می‌کرد و هیچ ادعایی نداشت ولی بعد از بعثت به آوردن قرآن تحدی نمود و همگان از آوردن همانند آن عاجز و ناتوان بودند

۶- تأثیرپذیری وحی از فرهنگ و محیط زمان خودش: محتوای قرآن برگرفته از فرهنگ زمان خود بوده و قرآن وحی الهی نیست و پیامبر از فرهنگ دوران خود تاثیر گرفته و آن را سامان دهی نموده افکار منفی و خرافی را رد و افکار مثبت را تغییر یا اصلاح نموده است و در قالب قرآن ارائه نموده است. قرآن نتیجه تاثیر پذیری از محیط بوده با توجه به محرومیت مردم مکه از خواندن و نوشتن آیاتی که در مکه نازل می‌شده جنبه استدلالی نداشته ولی بعد از هجرت به مدینه و تغییر شرایط و آشنایی با فرهنگ یهود و نصاری محتوای آیات و سوره‌ها جنبه استدلالی پیدا کرده همه این موارد دلیل بر اثر پذیری قرآن از محیط بوده است. «وات» به دنبال اثبات این نکته است که تعالیم اسلام به اقتضای شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر عربستان بوده است

«وات» معتقد است «بقای هر اندیشه‌ای به خصوص اندیشه دینی مبتنی بر کارایی و سازگاری آن با محیط و شرایط حاکم بر آن جامعه است و از آنجا که تعالیم اسلام توانست این سازگاری را ایجاد نماید دوام داشت و موفق بود». (مونتگمری وات، ویلیام، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۶۲). وات معتقد است میان تعالیم اسلام و تکوین شخصیت پیامبر ارتباط مستقیمی وجود دارد. عوامل محیطی بر تعالیم تاثیر گذار بوده است. ایمان پیامبر را تکاملی

می‌داند که در طی سال‌های متمادی کامل‌تر شده است و قرآن را به دلیل وجود آیات نسخ و اصلاحاتی که پیامبر در آن انجام داده حاوی تناقض می‌داند.

در بررسی این نظر باید گفت محیط حجاز آلوده به شرک و بت پرستی بود نه تنها تأثیری بر پیامبر (ص) نداشت بلکه پیامبر (ص) با آنها به مبارزه برخاست عوامل محیطی در تکوین شخصیت پیامبر (ص) تأثیری نداشته است. تعالیم قرآن منشا الهی داشته و برای هدایت همه جوامع می‌باشد محتوای وحی و تعالیم دینی برای هدایت انسان در همه زمینه‌ها میباشد و مطابقت تعالیم با نیازهای مردم و جامعه عامل دوام می‌باشد.

۸- تناقض در عبارات قرآن: کلمات و عبارات قرآن مرتبط با هم و سنجیده و هماهنگ با یکدیگر نازل شده است با گذشت زمان اختلافی در آن دیده نشده و مطالب آن روز به روز روشن‌تر می‌شود.

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۲) «آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند؟ و اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند»

قرآن طی ۲۳ سال در شرایط متفاوتی نازل شد و با وجود گسترده گی محتوا کوچک‌ترین تناقض گویی و اختلافی در محتوای آن دیده نمی‌شود. در حالی که نویسندگان شعرا و هنرمندان مشهور پیوسته آثار خود را مورد تصحیح، تغییر و تکامل قرار می‌دهند. دلایل مطرح شده توسط مستشرقان بی‌پایه و اساس می‌باشد. مانند اختلاف در ماده آفرینش انسان که با عباراتی مانند طین، ماء مهین، اطوار، صلصال، حماء مسنون بیان شده است در حالی که هر کدام از این عبارات اشاره به مرحله‌ای از ماده اولیه انسان دارد و این دلیلی بر تناقض و اختلاف نیست. (محمد هادی معرفت و تمهید فی علوم القرآن جلد ۷ صفحه ۲۷۰ به بعد).

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مومنون / ۱۲) «و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم»

«أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (مرسلات / ۲۰) «آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه بی‌قدر (بدین زیبایی) نیافریدیم؟»

«وَقَدْ خَلَقْكُمْ أَطْوَارًا» (نوح / ۱۴) «در حالی که شما را مرحله به مرحله [خاک، نطفه، علقه، مضغه، گوشت، استخوان و...] آفریده است»

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (رحمن / ۱۴) «انسان را خدا از خشک گلی مانند گل کوزه گران (بدین حسن و زیبایی) آفرید»

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (حجر / ۲۶) «و درحقیقت، انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم»

۹- نسخ آیات: اگر قرآن کلام الهی باشد نباید در آن اختلاف وجود داشته باشد در حالی که برخی آیات ناسخ آیات دیگر است. در پاسخ به این شبهه باید گفت خداوند خالق و پدید آورنده هستی و تمام مخلوقات می باشد و علم او به همه پدیده ها تعلق می گیرد. برخی از آیات، آیات دیگر را تفسیر می کند. عدم وجود اختلاف در قرآن دلیل بر اعجاز می باشد برخی آیات نسخ را دلیل بر اختلاف و تناقض در قرآن می دانند در پاسخ به این شبهه قرآن می فرماید:

«مَا نُنسخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَاتِبِخَيْرٍ مِنْهَا..» (بقره/ ۱۰۶).

«هیچ آیه را نسخ نمی کنیم و از یاد مردم نمیبریم مگر اینکه آیه بهتر از آن آوریم» علامه می فرماید: نسخ ناشی از اختلاف در مصداق است یعنی یک مصداق در شرایط معینی ممکن است دارای مصالحی باشد در این صورت حکم خاصی دارد و همین که شرایط آن عوض شد حکم آن هم تغییر می کند. مثلاً در آغاز دعوت اسلام و ضعف مسلمانان اگر یهودیان در صدد بر می آمدند تا با مسلمانان برخورد کنند مصلحت در عفو بود ولی پس از قدرت گرفتن اسلام حکم عفو برداشت شد و حکم جهاد و جزیه گرفتن صادر شد مشخص شد که حکم قبلی موقت و دارای مصلحت خاصی بوده است.

پذیرش نسخ به معنای عبث بودن کارهای خداوند است در حالی که خداوند حکیم بوده عمل بیهوده و عبث از او سر نمی زند یعنی در یک مقطعی خداوند به علت عدم احاطه علمی حکمی وضع نموده و با مرور زمان اشتباه بودن آن مشخص شده قانون قبلی را نسخ نموده و حکم جدیدی را صادر نموده است.

برخی از دستورات قرآن در یک مقطعی متضمن مصلحتی می باشد در حالی که همان حکم در مقطع دیگر در بر گیرنده مصلحتی نمی باشد لازم است حکم قبلی منسوخ و حکم جدید جایگزین آن شود یعنی علم خداوند به موقت بودن آن حکم تعلق گرفته است. برخی احکام قرآن مربوط به زمان مشخص و موقتی می باشد و بعد از پایان مدت، قانون جدید را بیان نموده است. (جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم انتشارات اسراء، جلد ۱، صفحه ۷).

۱۰- تکراری بودن محتوی وحی: بسیاری از معارف وحی در ادیان گذشته بوده است مانند نماز و روزه سوال این است که قرآن چه امتیازی نسبت به ادیان گذشته دارد با این استدلال معتقد به غیر الهی بودن وحی هستند

در پاسخ باید گفت پیامبر(ص) امی و درس ناخواند بوده و از احکام ادیان گذشته آگاهی نداشته است ولی قوانین و احکامی برای اصلاح فرد و جامعه ارائه می دهد که بی نقص می باشد همه ادیان الهی در اصول و کلیات با هم مشترک هستند. وجود اشتراکات نمی تواند دلیل بر بشری بودن وحی باشد قرآن با عادات ناصواب و خرافی مبارزه و کلیات را بیان و اجتهاد جزئیات و فروع را به شرایط زمان واگذار نموده و از انسجام و پیوستگی برخوردار و با فطرت انسان ها

مطابقت دارد. (ایازی، سیدمحمدعلی، فقه پژوهی در قرآن، ص ۱۰۰-۱۰۲).

قوانین وحی از استحکام و استواری برخوردار است در حالیکه قوانین بشری با گذشت زمان به علت اشکالات موجود در آن دچار تغییر و اصلاح می شود.

۱۱- تحریف قرآن: مستشرقان و معاندان اسلام توانایی تحریف قرآن را ندارند. از این رو به شبهه افکنی بر سلامت قرآن روی آورده و با استناد به منابع نامعتبر این ادعا را مطرح نمودند و از جمله داستان غرانیق می باشد. این حکایت در قرون اخیر دستاویز مستشرقان واقع شده محتوی اصلی کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی که بیشترین اهانت را به ساحت مقدس پیامبر (ص) روا داشته همین داستان است. تذکره نویسان اروپایی به عنوان جریان تاریخی و واقعی پذیرفته اند.

«ف. بول» و همکارانش در مقاله «محمد پیامبر اسلام» در دایره المعارف اسلام (لیدن) داستان را چنین بیان می کند که یک بار محمد در حضور عده ای از مشرکان مکه مشغول تلاوت سوره نجم بود وقتی به نام سه تن از خدایان محبوب آنان (لات، عزی، منات) رسید «أَفْرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» (نجم/ ۱۹-۲۰) «آیا دو بت بزرگ لات و عزی خود را دیدید (که بی اثر است) * و منات سومین بت دیگرتان را دانستید (که جمادی بی‌نفع و ضرر است)»

شیطان دو آیه کوتاه بر زبانش جاری ساخت: «تلك الغرائق العلی، و ان شفاعتھن ترجی»، «اینان بلند پروازان (غرانیق به معنای درناها) هستند که باید به شفاعتشان امیدوار بود» مشرکان این آیات را دلیل بر پذیرش خدایان خود توسط پیامبر دانستند هنگامی که پیامبر به آخرین آیه سوره رسید که می گوید پس در برابر خدا سجده و او را عبادت کنید مشرکان نیز همراه مسلمانان به سجده افتادند این امر باعث نوعی آشتی میان محمد و اهل مکه شد. فرشته مقرب جبرئیلی به محمد خبر داد که دو آیه غرانیق جزو وحی نبوده است بلکه شیطان آنها را القا کرده است. شب هنگام جبرئیل نزد پیامبر آمد حضرت سوره را به او عرضه داشت آن دو جمله را هم گفت جبرئیل آنها را انکار کرد. این داستان در کتاب ابن سعد آمده ولی در کتاب ابن هشام وجود ندارد و اکثر مسلمانان آن را به عنوان داستان جعلی رد کردند. این داستان با آیاتی که محفوظ بودن کتاب الهی را از هرگونه تحریف و آیاتی که بیان کننده عدم تسلط شیطان بر بندگان صالح خدا به ویژه پیامبران است منافات دارد.

در پاسخ به این داستان باید گفت آیات سوره نجم در مذمت شدید بت های مشرکان می گوید:

«إِن هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ» (نجم/ ۲۳)

« این بتان [که شما آنها را به عنوان شریک خدا گرفته اید] چیزی جز نام‌ها [ی بی معنا و بی مفهوم] که شما و پدرانتان [بر اساس حدس و گمان] نامگذاری کرده اید نیستند، خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است. اینان فقط از پندار و گمان [بی پایه] و هواهای نفسانی پیروی می‌کنند، در حالی که مسلماً از سوی پروردگارشان برای آنان هدایت آمده است»
 حال چگونه مشرکان پس از این نکوهش شدید و توبیخ سخت درباره بت‌ها از آن سخن شادمان شدند و سجده کردند چگونه متوجه تناقض آشکار در سخن پیامبر نشدند. چگونه پیامبر(ص) متوجه این تناقض آشکار نشد و تا شب هنگام از آن غافل بود تا اینکه جبرئیل بر او خرده گرفت.

۱۲- وحی تجربه شخصی پیامبر: از نظر «وات» پیامبر دارای تجربیات فردی و اجتماعی بوده و آنها در اختیار مردم قرار داده است. پیامبر فرستاده خدا نیست مأموریت الهی ندارد قرآن کتاب الهی نیست حاصل تجربه شخصی انسانی است که ادعای پیامبری می‌کند. این دیدگاه از پیش فرض‌هایی شکل گرفته که بر اساس آن پیامبر فرستاده خدا نیست خود احساس مسئولیت کرده و مأموریت الهی ندارد. وحی پیام شخصی پیامبر به مردم است. پیامبر مانند دیگران انسانی خطا پذیر می‌باشد و نبوت امری بی‌معنا و به دنبال آن عصمت و اعجاز بی‌معنا خواهد بود.
 در پاسخ به این مسئله باید گفت انسان به جهت محدودیت‌ها و خطاپذیری عقل قادر به یافتن راه کمال نیست خداوند برای راهنمایی بشر پیامبران را برگزید و پیام خود را از طریق وحی به انسان عرضه کرد. پیامبران در دریافت حفظ و ابلاغ وحی مصون از خطا هستند. پیامبران از مقام بالایی برخوردار می‌باشند تا بتوانند شایستگی دریافت وحی را داشته باشند. اگر وحی تجربه شخصی باشد چرا قبل از بعثت هیچگونه آگاهی و تجربه نداشته است. وعده خداوند به پیامبر(ص) برای حفظ قرآن بر خلاف تجربه نبوی است مسئله فترت و عدم نزول وحی به تابع بودن پیامبر(ص) از وحی دلالت دارد. آیاتی که پیامبر(ص) را تهدید و این که اگر سخنی غیر از آنچه خدا نازل کرده مطرح کند مجازات می‌شود.

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حاقه/۴۴-۴۶)
 «و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می‌بست *

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می‌گرفتیم* و رگ و تینش را قطع می‌کردیم»
 پیامبران انسان‌های کامل هستند که با توجه به اعمال و رفتار مراتب وجود را طی و به کمال رسیده و قابلیت دریافت وحی را کسب نموده اند دریافت حقیقت وحی چون از مقوله غیر مادی می‌باشد با ابزارهای مادی بشر قابل فهم نمی‌باشد. نگرش مادی به وحی موجب انکار نبوت الهی شده است. انسان به دلیل محدودیت نمی‌تواند به فضای ماورای طبیعت مسلط باشد در حالیکه سعادت نهایی بشر در ماورای ماده تحقق می‌یابد.

نتیجه گیری

مبانی نظری و اعتقادی انسان بر روی افکار و اعمال انسان تاثیر گذار بوده و مسیر حرکت و زندگی هر فرد را مشخص می‌کند. در بررسی دیدگاههای دیگران آشنایی با منابع معتبر و مبانی فکری و نظری و تسلط علمی لازم و ضروری می‌باشد. محقق منصف عقاید شخصی، تعصبات، گرایشات خود را به تحقیقاتش تحمیل نمی‌کند. اگر روند مطالعات خارج از این قواعد باشد نتیجه پژوهش واقعی و درست نخواهد بود.

بر اساس مبانی نظری مسلمانان، انسان علاوه بر بعد مادی و جسمانی دارای بعد غیر مادی و مجرد نیز می‌باشد. کلام الهی از طریق وحی بر پیامبر (ص) نازل شده و راهنمای انسان در تمام ابعاد وجودیش می‌باشد. برتری انسان مربوط به جنبه مجرد و الهی او میباشد. سعادت بشر در ماورای ماده تحقق می‌یابد. سعادت واقعی انسان در رشد و کمال روح و جنبه الهی او می‌باشد و نیازمند هدایت از منشا غیر مادی است راهنمایی خداوند از طریق وحی و توسط پیامبران انجام می‌گیرد.

پیامبران با طی نمودن مراحل رشد و کمال، لیاقت و شایستگی مأموریت الهی را به دست می‌آورند و پیامهای الهی را بدون کم و کاست به مردم می‌رسانند. وحی از هر گونه اختلاف و تناقض و تحریف به دور می‌باشد. اگر وحی همراه با اختلاف و تناقض و تحریف باشد هدف هدایت تامین نمی‌شود.

بر اساس مبانی نظری مستشرقان از جمله «مونتگمری وات» قرآن کلام الهی نیست بلکه سخن و ساخته تخیل پیامبر بوده و او با عالم غیب در ارتباط نبوده است وحی از ضمیر ناخودآگاه او ناشی شده است. «وات» به خدا اعتقاد دارد ولی منکر وحی و نبوت می‌باشد و به دنبال یافتن منشا غیر الهی برای قرآن می‌باشد.

در حالی که قرآن معجزه و کلام الهی که از طریق جبرئیل بر پیامبر نازل شد. پیامبری که قادر به خواندن و نوشتن نبوده و ضمیر او فاقد معارف چگونگی می‌تواند عالی‌ترین معارف را در اختیار بشر بگذارد.

«وات» در ادعای دیگر معارف قرآن را اقتباس از کتب مقدس عهدین میداند و معتقد است اسلام نمی‌تواند دین جدید باشد چون تعالیم آن مشابه تعالیم تورات و انجیل می‌باشد. در این رابطه باید گفت آیاتی در قرآن وجود دارد که مخالف تعالیم عهدین است و از طرفی خداوند منشا تمام ادیان آسمانی می‌باشد. همه ادیان در اصول و کلیات مشترک هستند.

اختلاف، تناقض و تحریف در آیات قرآن و درس خواندگی پیامبر را دلیل بر بشری بودن وحی می‌داند. بر اساس شواهد تاریخی قطعی پیامبر(ص) خواندن و نوشتن نمی‌دانست و عبارات

قرآن مرتبط و هماهنگ و اختلافی در آن وجود ندارد و با گذشت زمان حقایق آن روشن‌تر می‌شود. و با استناد به منابع نامعتبر چنین ادعاهایی را مطرح می‌کند.

در ادامه پیامبر را نابه ای می‌داند که تجارب فردی و اجتماعی خود را تحت عنوان وحی در اختیار مردم قرار داده است در بررسی این ادعا باید گفت چرا قبل از بعثت پیامبر(ص) هیچ ادعایی نداشتند و تجربیات خود را در اختیار مردم قرار نمی‌داد. وحی از مقوله غیر مادی بوده و با ابزارهای مادی قابل درک نیست. نگرش مادی به وحی منجر به انکار نبوت می‌شود.

شبهات و ادعاهای مطرح شده توسط «وات» بر اساس حدسیات و فرضیات می‌باشد. در حوزه پژوهش و تحقیق بکارگیری منابع معتبر و شواهد تاریخی قطعی و کنار گذاشتن نظرات و گرایش‌های شخصی و دوری از تعصب و کینه‌توزی برای دست‌یابی به حقیقت ضروری می‌باشد. «وات» این اصول را رعایت نکرده و نتیجه آن، تحقیقاتی می‌باشد که نادرست است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- امینی، ابراهیم، وحی در ادیان آسمانی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، (۱۳۷۷)
- ۳- ابن ابی الاصبغ، بدیع القرآن، آستان قدس رضوی، مشهد
- ۴- اسکندری، محمدجواد، اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص) (۱۳۹۰ش).
- ۵- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ترجمه حسین خدایپرست، قم، دفتر نشر نوید اسلام، (۱۳۸۷)
- ۶- امینی گلستانی، محمد، اسلام فراتر از زمان، قم، سپهر آذین، بازار قائمیه اصفهان، (۱۳۸۸)
- ۷- ایازی، محمد علی، فقه پژوهی در قرآن، قم، بوستان کتاب، (۱۳۹۲)
- ۸- جعفریان، رسول، افسانه تحریف قرآن، ترجمه محمود شریفی، ناشر شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، بازار قائمیه اصفهان، (۱۳۸۲)
- ۹- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات قرآن و حدیث و قرآن و مستشرقان، زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی با همکاری محمد جواد اسکندری، سید حیدر طباطبایی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص) (۱۳۹۰)
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، قم، انتشارات اسراء، (۱۳۹۰)
- ۱۱- خویی، سید ابوالقاسم، مرزهای اعجاز، ترجمه جعفر سبحانی، موسسه امام صادق (ص)، تهران، (۱۳۸۵)
- ۱۲- حسینی طباطبایی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، تهران، چاپخش، (۱۳۷۵)
- ۱۳- حیدری، علی رضا، مستشرقان و قرآن، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، (۱۳۹۶ش)
- ۱۴- دروزه، محمد عزت، القرآن و المبشرون، الکتب الاسلامی بیروت، (۱۹۷۲ م)
- ۱۵- رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، بی جا.
- ۱۶- رئیس، اعظم شاهد، اعجاز از دیدگاه مستشرقان، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، رساله ارشد، (۱۳۸۶)
- ۱۷- رزاقی موسوی، سید قاسم، بازخوانی دیدگاه وات در مورد نبوت پیامبر اعظم (ص)، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۱، (۱۳۸۵)
- ۱۸- زمانی، محمد حسن، قرآن و مستشرقان، بوستان کتاب قم، (۱۳۸۵ش)
- ۱۹- شاکر، محمد کاظم، موسوی مقدم، سید محمد، نقد تحلیل پدیدار شناسانه وات از قرآن و نبوت پیامبر (ص)، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۶، (۱۳۹۳)
- ۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی، قم، (۱۳۷۸)
- ۲۱- طباطبایی، محمد حسین، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، بی جا.

- ۲۲- طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، مصحح رضا ستوده، دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۵۳)
- ۲۳- طباطبائی، محمد حسین، مجموعه رسائل، جلد اول، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، بوستان کتاب، قم، (۱۳۸۷)
- ۲۴- عبدالمحمدی، حسین، مستشرقان و پیامبر اعظم (ص)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، بازار قائمیه اصفهان، (۱۳۹۲)
- ۲۵- عرفان، حسن، اعجاز در قرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، بی جا، (۱۳۷۹)
- ۲۶- علی قلی، محمد مهدی، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، انتشارات سینا، قم، (۱۳۷۵)
- ۲۷- عنایت، غازی، شبهات حول القرآن و تفنیدها، دار و مکتبه الهلال، کتابخانه دیجیتال نور، بیروت
- ۲۸- کاوند بروجردی، علی رضا، امی بودن پیامبر اکرم (ص) در منابع تفسیری و حدیثی و نقد دیدگاه خاور شناسان، نشر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، تهران، (۱۳۹۲)
- ۲۹- مردانی، خیرالله، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، انتشارات آئین جعفری
- ۳۰- مطهری، مرتضی، پیامبر امی، صدرا، قم، چاپ پنجم، (۱۳۶۹)
- ۳۱- مظفری، سمیه سادات، اهداف مستشرقان در مواجهه با قرآن، کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن تهران، (۱۳۸۸)
- ۳۲- معرفت، محمد هادی، شبهات و رودود حول القرآن، موسسه التمهید، قم، (۱۴۲۳ ق)
- ۳۳- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، (۱۳۸۸)
- ۳۴- معارف، مجید، بزرگترین نشانه، ناشر موسسه نبا تهران، ناشر دیجیتال قائمیه اصفهان، (۱۳۷۶)
- ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ناشر تهران دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۵)
- ۳۶- مودب، سید رضا، اعجاز قرآن، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ دوم، بی جا.
- ۳۷- مودب، سید رضا، قرآن از نگاه دانشمندان غربی، فصل نامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶ (۱۳۸۸)
- ۳۸- موسوی مقدم، سید محمد، جریان شناسی سیره پژوهی در غرب با تاکید بر دیدگاه‌های ویلیام مونتگمری وات، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران، قم، (۱۳۹۲ ش)
- ۳۹- موسوی مقدم، محمد، حاجوی، علی، بررسی دیدگاه وات پیرامون افسانه غرانبق، قرآن پژوهی خاور شناسان، شماره ۱۲، (۱۳۹۱)
- ۴۰- مونتگمری وات، ویلیام، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی زاده، کتابفروشی اسلامیة، تهران، (۱۳۴۴)
- ۴۱- مونتگمری وات، ویلیام، در آمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بها الدین خرم شاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن، (۱۳۸۲)
- ۴۲- مونتگمری وات، ویلیام، محمد فی مدینه، تعریب شعبان برکات، بیروت، المکتبه العصریه، (۱۹۵۶ م)
- ۴۳- موسوی، سیدمحمد، نقد دیدگاه مونتگمری وات پیرامون وحی، قرآن پژوهی خاور شناسان، شماره ۱۳، (۱۳۹۱)